



ایستگاه پاسبانی در شهر بند قدیم توس

قدیمی محله چهاربرج از نهبانی دادن شب‌های انقلاب در روستا می‌گوید

مرد مشکوک در شیفت صدم

۱۲

صندوق
خاطرات

می‌شد، با چراغ قوه و از روی پشت بام خانه پدری نگاه کردم و فهمیدم به کدام کوچه رفتم.

● می‌خواستم آمادگی شما را ببینم

حسن آقا و دوست هم شیفتش آماده می‌شدند تا در آن شب سرد زمستانی خودی نشان دهند، از آتش داخل حلب روغن که روشن کرده بودند فاصله گرفتند تا در صورت نیاز با یک ضربه چوب به فرد مشکوک او را صبح به بزرگان ده تحویل دهند. حاج حسن تعریف می‌کند: وارد کوچه که شدم آن آدم فرار کرد. دنبالش رفتیم تا اینکه در کوچه‌ای غیبش زد که ته آن بن بست بود و فقط دو خانه داشت. یک خانه، منزل رئیس ما و انقلابی فعال، علی آقا بود.

رضوی تعریف می‌کند: گفتیم اول علی آقا را بیدار نکنیم، پس رفتیم سراغ آن یکی خانه، در را که باز کردند، رفتیم و خانه را گشتیم آنجا نبود، نگرانی مایبشتر شد که نکند یک نفر می‌خواهد به علی صدمه بزند، سریع در خانه‌اش را زدیم. در را که باز کرد موضوع را گفتیم، احساس کردیم نگران نشد، اجازه هم نداد برویم و خانه را بگردیم و یک باره زدی خنده...

حاج حسن رضوی ادامه می‌دهد: علی گفت: «می‌خواستم آمادگی شما را ببینم، سر بلند شدید، حالا ببینید داخل نماز صبح را با هم بخوانیم.» بعدتر فرصت جبران شد و حسابی سرکارش گذاشتیم که داستان آن بماند برای وقت دیگری.

بود و گفته بود: «حسن، یک نفر دارد داخل روستا می‌چرخد، غافل شویم کار خودش را کرده!»

جوان چابک آن زمان روستا، خودش را به ارتفاع رسانده بود و از روی پشت بام‌ها خودش رد آن مرد را در تاریکی شب زده بود. تعریف می‌کند: من شب‌های زیادی کشیک روستا بودم و شیفت می‌دادم، آن شب شیفت صدم من بود که داشت داستان



زنگنه اسیر شب که می‌شد، حاج حسن که آن زمان جوانی بی‌سوی و اندکی ساله بود، چوب دستی را که یک طرفش پارچه بسته شده بود وزیر دست قرار می‌گرفت، برمی داشت و راهی کوچه‌های چهاربرج می‌شد، او و جوانان روستا شده بودند ژاندارم‌های روستاهای توس! در روزهایی که کشور درگیر حوادث انقلاب بود، امنیت محله در دست این جوانان بود و شبانه شیفت می‌دادند تا کسی به روستایشان نگاه چپ نیندازد. درست مثل دهه‌ها قبل تر که پاسبان‌ها بر پست‌های شهر بند توس حاضر می‌شدند. این وسط خاطرات زیادی در ذهن حاج حسن رضوی ماندگار شده است، مثل آن شبی که تا صبح دنبال یک راهزن بود.

● دنبال سایه ته کوچه

آن شب قرار بود همه چیز عادی باشد، اما همین که لایه‌لایه سوسوی نور ضعیف ته کوچه یک سایه از پیش چشمان حسن آقا گذشت، ششستش خبردار شد که باید با چوب دستی‌اش پی یک شکار باشد. خودش تعریف می‌کند: نور و چراغ برق نداشتیم و بساط امروزی نبود، یک لامپ دو سر کوچه وصل شده بود که من نمی‌دانم آن زمان سیستم برقی چطور بود، ما هم یک چراغ قوه‌هایی داشتیم که دست گرفتنش مانند یک وزنه بود و بعد از یک ربع دست گرفتن آن، شانه‌ات از جادرمی آمد. در حالی که حسن رضوی امیدوار بود که سایه متعلق به یکی از اهالی روستا باشد، دوست هم شیفتش خودش را به اورساده

در هفته ورزش و تربیت بدنی، «بوستان ملت» میزبان ورزش دوستان شهرداری بود

دوپینگ شادی و نشاط

۱۱



عیدگاه

و حداقل نیم ساعت قبل از رفتن به پشت میزها، نرمش و ورزشی انجام شود، ادامه می‌دهد: حضور در چنین فضایی که همه سرشار از انرژی و در حال نرمش و ورزش هستند، سبب ترغیب ما برای ادامه دادن ورزش می‌شود.

● افزایش کیفیت کار با شروعی شاد

در قسمتی از مسیر پیاده روی، ورزش کاران حرفه‌ای رشته بدنیتون مشغول تمرین و بازی هستند. آن‌ها با رسیدن دسته ورزش دوستان همایش پیاده روی، کناری ایستاده و با صدای بلند خوشامدو خداقوتی می‌گویند.

فاطمه عامری از حوزه برنامه ریزی و آمار در این برنامه پیاده روی شرکت کرده است. او پیشنهاد می‌دهد حداقل در ماه یک بار این برنامه ورزش همگانی در بوستان‌های بزرگ هر منطقه برای کارمندان برگزار شود.

عامری با بیان اینکه سال گذشته بنابه دلایلی فرصت حضور در همایش پیاده روی را نداشته است، ادامه می‌دهد: بدون شک افزایش شادی و نشاطی که در این پیاده روی‌ها و برنامه‌ها حاصل می‌شود، در افزایش کیفیت کار و روحیه بالای

کارمندان مؤثر است. چه خوب است این برنامه‌ها مناسبتی نباشد و به طور مستمر ادامه داشته باشد.

یکی دیگر از ورزش دوستان حاضر در این جمع که تمایل ندارد، نامش را بگوید، درباره نوع پوشش حاضران در این همایش می‌گوید: کاش این دست همایش‌ها برای یک بار در سال نباشد و از این گذشته در همان یک روز، نمادین نباشد. باکت و شلوار و کیف و پوشه در دست نشانی از ورزش کار بودن در فرد حاضر در همایش دیده نمی‌شود.

ساعت نزدیک ۸، همایش پیاده روی نیروهای شهرداری به پایان رسید. شاید این برنامه، شهروندان را ترغیب کند ورزش صبحگاهی را در برنامه زندگی خود قرار دهند.

افزایش شادی و نشاطی که در این پیاده روی‌ها و برنامه‌ها حاصل می‌شود، در افزایش کیفیت کار و روحیه بالای کارمندان مؤثر است.

فاطمه سپر جانی اساعت ۷ صبح جمعی از کارمندان شهرداری بعد از گرفتن عکس یادگاری در مسیر دالان سرسبز بوستان، پیاده روی خود را آغاز می‌کنند. دیدن ورزش دوستانی که در مسیر سبز در حال دویدن هستند و گاه باروی گشاده و صدای بلند، سلام و خداقوتی به افراد در حال حرکت می‌گویند، حس خوبی دارد. این بار بوستان ملت در ورزش صبحگاهی میزبان نیروهای شهرداری است. برنامه‌ای که در طول هفته تربیت بدنی به میزبانی معاونت سلامت و ورزش سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد برپا شده است.

این برنامه فرصت خوبی فراهم کرد تا کارمندان و کارگران شهرداری فارغ از ساعت‌های کاری، دقایقی را برای سلامت روح و جسم خود سپری صرف کنند.

● اولین تجربه پیاده روی در پارک

فهمیه شهری که همراه همکارانش برای نخستین بار در این همایش شرکت کرده است، با ابراز رضایت از این حضور می‌گوید: با آنکه فاصله منزل ما تا بوستان ملت زیاد نیست، اما نخستین بار است که تجربه پیاده روی در این بوستان را دارم. یک تجربه انگیزه بخش برای حضور بیشتر و استفاده از محیط پرا انرژی مثبت.

او با بیان اینکه کاش ورزش صبحگاهی در ادارات اجباری شود